

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

## به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

تدبیر حضرت امام باقر علیه السلام

در برابر حکومت‌های جائر

۴ آذر ۱۳۸۸

۷ ذی الحجة ۱۴۳۰

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

## سید الخیر علی

« الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین و لعنة الله علی أعدائهم أجمعین » .

### لوصاف و ویژگی‌های حضرت امام باقر علیه السلام

در شامگاه شهادت پنجمین امام از ائمهٔ اثناعشر شیعه، حضرت امام محمد باقر علیه السلام به پاس احترام و قدردانی و نیز کسب فیض از محضر آن امام همام علیه السلام، پیرامون وجود مقدس ایشان علیه السلام مطالبی را بیان می‌نماییم. آغاز گفتار را با بیان حدیث لوح متبرک می‌نماییم. در این حدیث قدسی پس از بیان ویژگی‌های حضرت سید الشهداء علیه السلام، در رابطه با نسل مطهر ایشان علیهم السلام چنین آمده است:

« بعترته أئیب وأعاقب، أولهم علیّ سید العابدین وزین أولیایي  
الماضین وابنه شبه جدّه المحمود محمد الباقر علمی والمعدن  
لحکمتي »<sup>(۱)</sup>.

به خاطر خاندان او [حضرت سید الشهداء علیه السلام] پاداش و کیفر می‌دهم، اولین نفر از خاندان ایشان علی علیه السلام آقای عابدان و زینت اولیاء و دوستان من است و سپس فرزندش [امام باقر علیه السلام]

۱. کافی، جلد ۱ صفحه ۵۲۸.

که به جدّش [رسول الله ﷺ] شبیه است، او محمّد باقر و شکافنده علم من، و معدن حکمت من می باشد.

در این حدیث شریف حضرت امام باقر علیه السلام با اوصافی مانند هم نام و شبیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودن، شکافنده علم و معدن حکمت خدا بودن، توصیف شده اند. حضرت امام باقر علیه السلام، نه تنها باقر مطلق علوم و معدن مطلق حکمت هستند، بلکه باقر علم الهی و معدن حکمت الله نیز می باشند. واژه «باقر» در لغت علاوه بر معنای شکافتن، دارای معنای توسعه دادن نیز می باشد<sup>(۱)</sup>. حضرت امام باقر علیه السلام دارای این وصف نیز بودند زیرا ایشان علیه السلام در طول زندگانی شریف شان به شرح و بسط علوم قرآنی و روایات مجمل می پرداختند؛ ایشان علیه السلام غوامض و مشکلات آیات و روایات را گره گشایی می کردند و با بسط و شرح؛ آنها را توسعه می دادند.

حضرت امام صادق علیه السلام در مورد شباهت حضرت امام باقر علیه السلام به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

«إنّ جابر بن عبد الله الأنصاري كان آخر من بقي من أصحاب رسول الله ﷺ وكان رجلاً منقطعاً إلينا أهل البيت عليهم السلام وكان يقعد في مسجد رسول الله ﷺ وهو معتجر بعمامة سوداء وكان ينادي يا باقر العلم عليه السلام، فكان أهل المدينة يقولون: جابر يهجر، فكان يقول: لا والله ما أهجر ولكنني سمعت رسول الله ﷺ يقول: يقول: إنك ستدرك رجلاً مني اسمه اسمي وشمائله شمائلي، يبقر العلم بقرا، فذاك الذي دعاني إلى ما أقول. قال عليه السلام: فيينا جابر

۱. لسان العرب، جلد ۴ صفحه ۷۳.

یتردد ذات یوم فی بعض طرق المدینه إذ مرّ بطریق فی ذاک  
الطریق کتاب فیہ محمد بن علی [علیه السلام] فلما نظر إلیه قال: یا غلام!  
أقبل فأقبل [علیه السلام] ثم قال له: أدبر [علیه السلام] فأدبر ثم قال: شمائل  
رسول الله ﷺ والذي نفسي بيده، یا غلام! ما اسمك؟  
قال [علیه السلام]: اسمي محمد بن علي بن الحسين [علیه السلام]، فأقبل عليه  
يقبّل رأسه ويقول: بأبي أنت وأمي أبوك رسول الله ﷺ يقرئك  
السلام ويقول ذلك، قال: فرجع محمد بن علي بن الحسين [علیه السلام]  
إلى أبيه وهو ذعر فأخبره [علیه السلام] الخبر، فقال [علیه السلام] له: یا بني وقد  
فعلها جابر؟ قال [علیه السلام] نعم، قال: الزم بيتك یا بني»<sup>(۱)</sup>.

آخرین فرد از اصحاب رسول الله ﷺ جابر بن عبدالله  
انصاری بود، او مردی وابسته به ما اهل بیت [علیه السلام] بود. وی در  
مسجد رسول الله ﷺ می نشست، در حالی که عمامه ای  
سیاه بر سر داشت و باقر العلم [علیه السلام] را صدا می زد، اهل مدینه  
می گفتند: جابر هذیان می گوید. اما جابر در پاسخ می گفت: به  
خدا سوگند هذیان نمی گویم. من از رسول الله ﷺ شنیدم که  
فرمودند: تو مردی از خاندان مرا درک می کنی که هم نام من  
است و شکل و صورت او نیز، شبیه من می باشد و علم را به  
طور عجیبی می شکافد؛ به این دلیل است که من او را  
می خوانم. در یکی از روزها جابر از کوچه های مدینه  
می گذشت؛ در یکی از کوچه ها حضرت امام باقر [علیه السلام] را

دید، ایشان عرض کرد: ای جوان! به من رو کن. آن جوان رو کرد. سپس عرض کرد: پشت کن، آن جوان پشت کرد، سپس جابر گفت: سوگند به کسی که جانم در دست اوست، شبیه رسول الله ﷺ هستی، ای جوان اسمت چیست؟ جوان پاسخ داد: نام من محمد بن علی بن حسین [علیه السلام] است. جابر رو به ایشان [علیه السلام] کرد و سر ایشان را می‌بوسید و می‌گفت: پدر و مادرم فدایت، پدرت رسول الله ﷺ به شما سلام رساند. سپس حضرت محمد بن علی [علیه السلام] به نزد پدرش [علیه السلام] رفت در حالی که منقلب شده بود و ماجرا را برای ایشان تعریف کرد. پدر امام سجاد [علیه السلام] فرمودند: آیا جابر این کار را انجام داد؟ پاسخ داد: آری، سپس امام سجاد [علیه السلام] فرمودند: ای فرزند در خانه بمان و بیرون نرو.

ابن عساکر (از مورخان اهل سنت) نقل می‌کند که پیامبر گرامی اسلام ﷺ درباره حضرت امام باقر [علیه السلام] به جابر فرمودند:

«إِذَا رَأَيْتَهُ يَا جَابِرُ! فَأَقْرَبُهُ مِنِّي السَّلَامِ، يَا جَابِرُ إِعْلَمُ أَنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ وَلَدِهِ وَاعْلَمْ يَا جَابِرُ أَنَّ بَقَاءَكَ بَعْدَهُ قَلِيلٌ»<sup>(۱)</sup>.

ای جابر! هنگامی که او را دیدی سلام من را به او برسان، ای جابر! بدان! مهدی [عجل الله فرجه الشريف] از فرزندان او می‌باشد. ای جابر! بدان پس از او زیاد در دنیا نمی‌مانی.

دقت در دو روایت فوق چند نکته را برای ما روشن می‌کند. اولاً نام و لقب

۱. تاریخ مدینه دمشق، جلد ۵۴ صفحه ۲۷۶.

حضرت امام باقر علیه السلام از طرف خداوند سبحان انتخاب شده است. ثانیاً: فرمایش حضرت امام سجّاد علیه السلام به حضرت امام باقر علیه السلام که می‌فرمایند: «در خانه بمان و بیرون نرو» بیان‌گر شرایط سخت حاکم بر آن زمان است، زیرا در آن زمان حضرت امام سجّاد علیه السلام نیز از این که مبدا امام باقر علیه السلام به قتل رسانده شوند، در هراس بودند، از این نظر آن دوران مانند روزگار فرعون که نوزادان را به قتل می‌رسانند، از ترس این که مبدا شخصی هم‌چون حضرت موسی علیه السلام پا به دنیا بگذارد و بساط حکومت فرعونیان را درهم پیچید، بوده است.

ثالثاً: حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که امام باقر علیه السلام شبیه به ایشان صلی الله علیه و آله و سلم

بوده‌اند، بسیار زیبا بودند، خود ایشان صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمودند:

«کان یوسف أحسن ولکنّی أملح»<sup>(۱)</sup>.

یوسف علیه السلام زیباتر، اما من نمکین‌تر هستم.

در حدیثی دیگر نیز در رابطه با شمائل حضرت امام باقر علیه السلام چنین آمده است:

«کان علیه السلام ربع القامة، دقیق البشرة، له خال علی خده، حسن

الصوت، مطرق الرأس»<sup>(۲)</sup>.

حضرت امام باقر علیه السلام قامتی معتدل، پوستی ظریف و خالی بر

صورت و صدایی نیکو داشتند و سر به زیر بودند.

### هیبت و شکوه حضرت امام باقر علیه السلام

عظمت و هیبت حضرت امام باقر علیه السلام به گونه‌ای بود که در برابر هیبت ایشان علیه السلام

۱. مناقب ابن شهر آشوب، جلد ۱ صفحه ۱۸۷.

۲. مناقب ابن شهر آشوب، جلد ۳ صفحه ۳۴۰.

نه تنها افراد عادی بلکه بزرگان و علما نیز مرعوب و مبهوت می شدند. در روایتی ابو حمزه ثمالی درباره یکی از علمای اهل سنت به نام قتاده بن دعامة بصری<sup>(۱)</sup> که مبهوت عظمت حضرت امام باقر علیه السلام شده بود، می گوید:

«كنت جالساً في مسجد الرسول صلى الله عليه وآله وسلم إذا أقبل رجل فسلم فقال: من أنت يا عبدالله؟ قلت: رجل من أهل الكوفة، فقلت: ما حاجتك؟ فقال لي: أتعرف أبا جعفر محمد بن علي عليه السلام؟ فقلت: نعم، فما حاجتك إليه؟ قال: هيأت له أربعين مسألة أسأله عنها فما كان من حق أخذته وما كان من باطل تركته، فما انقطع كلامي معه حتى أقبل أبو جعفر عليه السلام وحواله أهل خراسان وغيرهم يسألونه عن مناسك الحج فمضى عليه السلام حتى جلس مجلسه وجلس الرجل قريباً منه، التفت إلى الرجل فقال عليه السلام له: من أنت؟ قال: أنا قتادة بن دعامة البصري. فقال له أبو جعفر عليه السلام: أنت فقيه أهل البصرة؟ قال: نعم، فقال له أبو جعفر عليه السلام: ويحك يا قتادة إن الله جل وعز خلق خلقاً من خلقه فجعلهم حججاً على خلقه فهم أوتاد في أرضه، قوام بأمره، نجباء في علمه، اصطفاهم قبل خلقه أظلة عن يمين عرشه، قال: فسكت قتادة طويلاً ثم قال: أصلحك الله والله لقد جلست بين يدي الفقهاء وقدام ابن عباس فما اضطرب قلبي قدام واحد منهم ما اضطرب قدامك. قال له أبو جعفر عليه السلام: ويحك أتدري أين أنت؟ أنت بين يدي ﴿بُيُوتِ أذنَ اللّهُ أن تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ

۱. قتاده بن دعامة؛ از بزرگان تفسیر و حدیث اهل سنت و به اجماع آنان روایات وی حجت می باشد. (از منابع اهل سنت: سیر اعلام النبلاء، جلد ۵ صفحه ۱۲۶۹)

فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ \* رَجُلًا لَا تُلَهِيمُهُمْ تِجَارَةً وَلَا  
بَيْعًا عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ ﴿١﴾ فَأَنْتَ تُمْ وَنَحْنُ  
أَوْلَئِكَ، فقال له قتادة: صدقت والله، جعلني الله فداك والله ما هي  
بيوت حجارة ولا طين» (٢).

در مسجد رسول الله ﷺ نشسته بودم که مردی آمد و سلام کرد  
و گفت: ای بنده خدا! کیستی؟ گفتم: مردی از اهل کوفه هستم،  
چه کاری داری؟ او گفت: آیا ابوجعفر محمد بن علی [ع] را  
می شناسی؟ به او گفتم: آری، با او چه کاری داری؟ او گفت:  
چهل سؤال آماده کرده ام که از او بپرسم، تا به پاسخ های  
درست او عمل کنم و پاسخ های نادرست او را کنار بگذارم.  
سخنم با او پایان نیافته بود که حضرت ابوجعفر [ع] وارد  
شدند و گرداگرد ایشان [ع] اهالی خراسان و دیگران بودند که  
مسائل حج را از ایشان [ع] می پرسیدند. ایشان [ع] به  
جایگاه خود رفتند و در آنجا نشستند و آن مرد هم نزدیک  
ایشان [ع] نشست. امام [ع] رو به آن مرد کردند و فرمودند:  
کیستی؟ او گفت: من قتادة بن دعامة بصری هستم. حضرت  
امام باقر [ع] فرمودند: آیا تو فقیه اهل بصره هستی؟ او عرض  
کرد: آری، حضرت [ع] فرمودند: وای بر تو ای قتاده!  
خداوند گروهی از آفریدگان خود را، بر دیگر آفریدگان خود

۱. سوره نور، آیه ۳۷ و ۳۶.

۲. کافی، جلد ۱ صفحه ۲۵۶.

حجّت قرار داد، آنان لنگرگاه‌های زمین‌اند، اوامر او را برپا می‌دارند، برگزیدگان علم او هستند، قبل از آفرینش آنان را برگزید، در حالی که سایبان سمت راست عرش الهی بودند. قتاده مدّتی دراز درنگ کرد و سپس گفت: خداوند امور شما را اصلاح فرماید، به خدا سوگند، در برابر فقها و در برابر ابن عباس نشستهم ولی قلبم در برابر هیچ یک از آنان آن چنان که در برابر شما مضطرب شد، به اضطراب و لرزش نیفتاد. حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ به او فرمودند: وای بر تو! آیا می‌دانی در کجا هستی؟ تو در برابر «خانه‌هایی که خداوند فرمان داده است که گرمی داشته و نامش در آنها یاد شود، در آن بامدادان و شامگاهان نیایش او گویند\* مردانی که هیچ داد و ستد و خرید و فروشی ایشان را از یاد خداوند و برپا داشتن نماز و پرداختن زکات باز نمی‌دارد» تو آنجایی ما آنان هستیم. قتاده عرض کرد: سوگند به خداوند راست می‌گویید. خداوند مرا فدای شما کند، به خدا سوگند این خانه‌ها از سنگ و گل نیست.

### حوزه علمی و شاگردان حضرت امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ

فضایل شخصیتی حضرت امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ - که بسیار ولاتر از گفتار و پندار ما است - از همان روزهای آغازین ولادت ایشان عَلَيْهِ السَّلَامُ نمایان بود. شخصی چون جابر بن عبدالله انصاری که محضر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، امیرالمؤمنین، حضرت امام حسن، حضرت امام حسین و حضرت امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ را درک کرده است و حدیث

لوح را از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دریافت نموده است، چنان مبهورت عظمت حضرت امام باقر علیه السلام (در خردسالی) می‌گردد که می‌گوید:

«یا باقر! یا باقر! یا باقر! أشهد بالله أنك قد اوتيت الحكم صبيًا»<sup>(۱)</sup>.

ای باقر! ای باقر! ای باقر علیه السلام! خدا را گواه می‌گیرم که در خردسالی حکمت به شما عطا شد.

فقها و علمای آن دوره نیز مسائل مشکل خود را از ایشان علیهم السلام می‌پرسیدند. برای نمونه، در مورد عبدالله بن عمر - فرزند عمر بن خطاب، که خود مدعی فقاقت است و در بعضی از مسائل نیز با پدرش اختلاف نظر دارد - چنین روایت شده است:

«سأل رجل ابن عمر عن مسألة فلم يدر ما يجيبه، فقال: إذهب إلي ذلك الغلام فسأله وأعلمني بما يجيبك وأشار به إلي محمد بن عليّ الباقر علیه السلام، فأتاه فسأله فأجابه علیه السلام فرجع إلي ابن عمر فأخبره، فقال ابن عمر: إنهم أهل البيت مفهمون»<sup>(۲)</sup>.

مردی از عبدالله بن عمر سؤالی پرسید، اما او پاسخ آن سؤال را نمی‌دانست، ابن عمر به او گفت: برو از آن جوان سؤال را بپرس و پاسخ را به من نیز بگو و به حضرت امام محمد بن علی باقر علیه السلام اشاره کرد. آن مرد رفت و سؤال خود را پرسید و

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۶ صفحه ۲۲۵، این سخن جابر برگرفته از آیه ۱۲ سوره مریم است که خداوند درباره حضرت یحیی می‌فرماید: ما در خردسالی به یحیی حکمت بخشیدیم.  
۲. بحار الأنوار، جلد ۴۶ صفحه ۲۸۹.

پاسخ امام علیه السلام را به ابن عمر گفت: ابن عمر گفت: به درستی که اینان، خاندانی هستند که خداوند به آنان علم و فهم داده است. آن امام بزرگوار علیه السلام علاوه بر دارا بودن علمی وسیع و گسترده، از لحاظ تربیت شاگرد نیز حوزه علمی فعال و پر رونقی داشتند. براساس تحقیقات ما تنها چهارصد و هفتاد و هفت نفر بدون واسطه از ایشان علیه السلام دهها هزار روایت، نقل کرده‌اند. یکی از شاگردان ایشان علیه السلام به نام « جابر بن یزید جعفی » می‌گوید:

« حَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام تَسْعِينَ أَلْفَ حَدِيثًا لَمْ أُحَدِّثْ بِهَا أَحَدًا قَطُّ وَلَا أُحَدِّثُ بِهَا أَحَدًا أَبَدًا »<sup>(۱)</sup>.

امام باقر علیه السلام نود هزار حدیث به من فرمودند که به هیچ کس این احادیث را بازگو نکرده و نخواهم کرد.

با بررسی شرایط حاکم بر آن زمان و نیز عدم نقل هیچ روایت فقهی از حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیه السلام و هم چنین بیان برخی از معارف در قالب دعا توسط حضرت امام سجاد علیه السلام، به وظیفه سنگینی که بر دوش حضرت امام باقر علیه السلام بوده است، پی خواهیم برد. ایشان علیه السلام از یک طرف مشکلات و غوامض آیات و روایات را توضیح، شرح و بسط داده، و دین خدا و فقه اهل بیت علیه السلام را احیاء کردند، و از طرف دیگر نیز در جبهه عقاید و دفاع از مبانی اعتقادی شیعه تلاشی بی‌وقفه و خستگی ناپذیر داشتند و در این راستا شاگردان بی‌شماری پرورش دادند. یکی از آن شاگردان، أبان بن تغلب است که حضرت امام باقر علیه السلام در حق وی می‌فرمایند:

«إِجْلَسَ فِي مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ وَأَفْتَى النَّاسَ فَإِنِّي أَحَبُّ أَنْ يَرَى فِي شِيعَتِي مِثْلَكَ؛

۱. مستدرک الوسائل، جلد ۱۲ صفحه ۲۹۹.

در مسجد مدینه بنشین و فتوا بده، به درستی که من دوست دارم در میان شیعیان من مانند تو دیده شوند.

هنگامی هم که خبر در گذشت ابان به حضرت امام صادق علیه السلام رسید، فرمودند:

«أما والله لقد أوجع قلبي موت أبان»<sup>(۱)</sup>.

به خدا سوگند مرگ ابان، قلب مرا به درد آورد.

در بزرگی و عظمت این شاگرد سخت کوش حضرت امام باقر علیه السلام صفوان بن یحیی - که از اصحاب اجماع است - روایت کرده که ابان بن تغلب به تنهایی سی هزار حدیث از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده است<sup>(۲)</sup>.

در روایتی نیز عبدالرحمن بن حجاج نقل می‌کند:

«كُنَّا فِي مَجْلِسِ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ، فَجَاءَهُ شَابٌّ فَقَالَ: يَا أَبَاسَعِيدُ!

أَخْبَرَنِي كَمْ شَهِدَ مَعَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله؟

فَقَالَ: فَقَالَ لَهُ أَبَانَ: كَأَنَّكَ تَرِيدُ أَنْ تَعْرِفَ فَضْلَ عَلِيِّ علیه السلام بِمَنْ تَبِعَهُ

مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، قَالَ: فَقَالَ الرَّجُلُ: هُوَ ذَلِكَ، فَقَالَ:

وَاللَّهِ مَا عَرَفْنَا فَضْلَهُمْ إِلَّا بِاتِّبَاعِهِمْ إِيَّاهُ»<sup>(۳)</sup>.

نزد ابان بن تغلب نشستیم بودیم که جوانی آمد و گفت: ای ابا

سعید! چه تعداد از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله همراه علی بن

ابی طالب علیه السلام بودند؟ ابان گفت: گویا تو می‌خواهی فضل و

مقام علی علیه السلام را با همراهی اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله با ایشان

۱. رجال نجاشی، صفحه ۱۰ و معجم رجال الحدیث، جلد ۱ صفحه ۱۳۱.

۲. معجم رجال الحدیث، جلد ۱ صفحه ۱۴۶.

۳. معجم رجال الحدیث، جلد ۱ صفحه ۱۳۳.

بسنجی؟ آن جوان گفت: آری: ابان گفت: به خدا سوگند: ما مقام و فضیلت اصحاب را به وسیله همراهی آنان با علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌سنجیم.

با تأمل در این گفتگو زیرکی، هوش و ادب ابان روشن می‌شود، زیرا وی پیروی از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ را میزان سنجش قرار می‌دهد، نه پیروی از صحابه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را.

با نگاهی به جامعه آن روز در می‌یابیم که مردم آن زمان، از معارف اسلامی بسیار دور شده بودند و جامعه و حکومت اگر چه به ظاهر اسلامی بود، اما درون آن‌ها کاملاً از اسلام بی‌بهره بود. در این خلأ علمی و معنوی، حضرت امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ با تربیت شاگردانی چون ابان، زراره، محمد بن مسلم و... طراوات و شادابی را برای جامعه دینی به ارمغان آوردند.

درباره دوری جامعه آن زمان از معارف اسلامی همین نکته کفایت می‌کند که بدانیم ابن عباس در بصره و در روز آخر ماه رمضان بر منبر اعلام کرد:

« اخرجوا صدقة صومكم فكأن الناس لم يعلموا فقال: مَنْ ههنا من أهل المدينة قدّموا إليّ اخوانكم فعلموهم فإنهم لا يعلمون فرض رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ »<sup>(۱)</sup>.

زکات فطریه خود را بپردازید، و مردم این حکم را نمی‌دانستند. ابن عباس گفت: چه کسی در اینجا از اهل مدینه می‌باشد، به سوی برادرانتان بروید و به آنان یاد بدهید زیرا آنان دستور رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نمی‌دانند.

۱. از منابع اهل سنت: الاحکام، جلد ۲ صفحه ۲۴۲ و سنن ابی داوود، جلد ۱ صفحه ۳۶۵.

حتی نقل شده است که در بلاد شام کسانی بودند که تعداد نمازهای روزانه را نمی‌دانستند.

جالب توجه است که بسیاری از قواعد مهم و کارگشای فقهی و اصولی هم چون استصحاب، فراغ و تجاوز، لا ضرر و لا حرج و روایات علاجیه، از حضرت امام باقر علیه السلام به یادگار مانده است. ایشان علیه السلام به آموزش و تعلیم مسائل فقهی و دینی اهتمام ویژه‌ای داشتند، و در این باره می‌فرمایند:

«لِيتِ السَّيَاطُ عَلَى رُؤُوسِ أَصْحَابِي حَتَّى يَتَفَقَّهُوا فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ»<sup>(۱)</sup>.

ای کاش تازیانه بر سر یاران و اصحابم باشد تا از ترس آن، در حلال و حرام [احکام] عالم و فقیه شوند.

از دیگر شاگردان مکتب حضرت امام باقر علیه السلام، زرارة بن اعین است که در حدود هزار و دویست و سی و شش روایت نقل کرده است. جمیل بن درّاج - که از اصحاب اجماع است - در مورد زراره می‌گوید:

«مَا كُنَّا حَوْلَ زُرَّارَةَ بْنِ أَعِينٍ إِلَّا بِمَنْزِلَةِ الصَّبِيَّانِ فِي الْكِتَابِ حَوْلَ الْمُعَلِّمِ»<sup>(۲)</sup>.

ما پیرامون زرارة بن اعین مانند کودکانی گرداگرد معلّم بودیم. حضرت امام صادق علیه السلام در بیانی - که به شاگردان ویژه خود اشاره می‌کنند - می‌فرمایند:

«أَحَبُّ النَّاسِ إِلَيَّ أَحْيَاءٌ وَأَمْوَاتٌ أَرْبَعَةٌ، بَرِيدُ بْنُ مَعَاوِيَةَ الْعَجَلِيُّ وَزُرَّارَةُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ وَالْأَحْوَلُ»<sup>(۳)</sup>.

۱. بحار الأنوار، جلد ۱ صفحه ۲۱۳.

۲. اختیار معرفة الرجال، جلد ۱ صفحه ۳۴۶ و معجم رجال الحديث، جلد ۸ صفحه ۲۳۱.

۳. اختیار معرفة الرجال، جلد ۱ صفحه ۳۴۷ و معجم رجال الحديث، جلد ۸ صفحه ۲۳۱.

بهترین مردم از زندگان و مُردگان در نزد من چهار نفر می‌باشند:

برید بن معاویه عجللی، زراره، محمد بن مسلم و احوول<sup>(۱)</sup>.

خانواده زراره، خانواده‌ای ریشه دار، اصیل و با برکت بود که محدّثین و علمای فراوانی را به جامعه شیعی تقدیم کرد. برادران زراره، (حمران و بکیر) روایات فراوانی نقل کرده‌اند. روایت ذیل بیان‌گر جایگاه ویژه حمران نزد حضرت امام باقر علیه السلام می‌باشد:

زراره می‌گوید:

«قدمت المدينة وأنا شابّ أمرد، فدخلت سرادقاً لأبي جعفر علیه السلام يوماً جلوساً في الفسّاط و صدر المجلس ليس فيه أحد ورأيت رجلاً جالساً ناحية يحتجم، فعرفت برأیي أنّه أبو جعفر علیه السلام فقصدت نحوه فسلمت عليه، فرد السلام عليّ، فجلست بين يديه والحجّام خلفه. فقال علیه السلام: أمن بني أعين أنت؟ فقلت، نعم أنا زرارة بن أعين، فقال علیه السلام: إنّما عرفتك بالشبه، أحجّ حمران؟ قلت: لا وهو يقرئك السلام، فقال علیه السلام: إنّ من المؤمنين حقّاً لا يرجع أبداً، إذا لقيته فاقرئه منّي السلام»<sup>(۲)</sup>.

به مدینه رفتم در حالی که هنوز جوان بودم و محاسنی نداشتم. داخل زیر زمین [خانه] امام باقر علیه السلام شدم، و گروهی را دیدم که در سرپرده آنجا نشسته‌اند و در صدر مجلس کسی ننشسته است و مردی را دیدم که در گوشه‌ای در حال حجامت است.

۱. نام کامل این راوی محمد بن علی بن النعمان مشهور به مؤمن الطاق می‌باشد. (معجم رجال الحدیث، جلد ۱۷ صفحه ۳۲)

۲. اختیار معرفة الرجال، جلد ۱ صفحه ۴۱۴.

حدس زدم که آن شخص حضرت امام باقر علیه السلام می باشند، به سمت ایشان رفتم و سلام کردم، پاسخ سلام را دادند و روبروی علیه السلام نشستم و حجامت کننده نیز پشت سر ایشان علیه السلام بود. ایشان علیه السلام فرمودند: آیا از خانواده بنی اعین هستی؟ عرض کردم: آری من زرارة بن اعین هستم. فرمودند: تو را از شباهتی که داری شناختم. آیا حمران به حج مشرف شد؟ عرض کردم: خیر اما خدمت شما سلام رساند امام علیه السلام، فرمودند: به درستی که او از مؤمنان واقعی می باشند و هرگز از ایمان خود باز نمی گردد. اگر او را دیدی سلام من را به او برسان.

یکی دیگر از پرورش یافتگان مکتب حضرت امام باقر و حضرت امام صادق علیهما السلام

هشام بن سالم است. او در روایتی در مورد حمران بن اعین چنین می گوید:

«كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام جَمَاعَةً مِنْ أَصْحَابِهِ، فَوَرَدَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَاسْتَأْذَنَ فَأَذِنَ لَهُ، فَلَمَّا دَخَلَ سَلَّمَ، فَأَمَرَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِالْجُلُوسِ، ثُمَّ قَالَ عليه السلام لَهُ: حَاجَتَكَ أَيُّهَا الرَّجُلُ؟ قَالَ: بَلَّغْنِي أَنَّكَ عَالِمٌ بِكُلِّ مَا تَسْأَلُ عَنْهُ فَصِرْتُ إِلَيْكَ لِأَنَاظِرَكَ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِيمَاذَا؟ قَالَ: فِي الْقُرْآنِ وَقَطْعِهِ وَإِسْكَانِهِ وَخَفْضِهِ وَنَصْبِهِ وَرَفْعِهِ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا حَمْرَانُ! دُونَكَ الرَّجُلُ، فَقَالَ الرَّجُلُ: إِنَّمَا أُرِيدُكَ أَنْتَ لَا حَمْرَانَ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنْ غَلَبْتَ حَمْرَانَ فَقَدْ غَلَبْتَنِي فَأَقْبِلِ الشَّامِيَّ يَسْأَلُ حَمْرَانَ حَتَّى غَرَضَ وَحَمْرَانَ يَجِيبُهُ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: كَيْفَ رَأَيْتَ يَا شَامِيَّ؟ قَالَ: رَأَيْتَهُ حَازِقًا مَا سَأَلْتَهُ عَنْ شَيْءٍ إِلَّا أَجَابَنِي فِيهِ»<sup>(۱)</sup>.

۱. اختیار معرفت الرجال، جلد ۲ صفحه ۵۵۴.

نزد امام صادق علیه السلام همراه با گروهی از اصحابشان نشسته بودیم. مردی از اهل شام آمد و اجازه وارد شدن خواست، امام علیه السلام به او اجازه دادند. وقتی داخل شد سلام کرد و حضرت امام صادق علیه السلام به او فرمودند که بنشیند، سپس امام علیه السلام فرمودند: ای مرد چه کاری داری؟ عرض کرد: شنیدم که شما به هر سؤال و مسأله‌ای عالم هستید، نزد شما آمده‌ام که مناظره کنم. حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: در چه مورد؟ عرض کرد: درباره قرآن، وقف، سکون، جر، نصب و رفع آن، امام علیه السلام فرمودند: ای حمران! پاسخ این مرد را بده، او عرض کرد: من می‌خواهم از شما بپرسم نه از حمران. امام علیه السلام فرمودند: اگر بر حمران پیروز شدی، مانند این است که بر من پیروز شده‌ای. مرد شامی رو به حمران کرد و سؤال‌های خود را آن قدر پرسید تا به ستوه آمد و حمران پاسخ می‌داد. سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: ای مرد شامی حمران را چگونه یافتی؟ عرض کرد: او را مردی حاذق و ماهر یافتم، سؤالی از او پرسیدم مگر آنکه پاسخ آن را بیان کرد. از دیگر شاگردان و پرورش یافتگان مکتب حضرت امام باقر علیه السلام محمد بن مسلم می‌باشد. او می‌گوید سی هزار حدیث از حضرت امام باقر علیه السلام و شانزده هزار حدیث از حضرت امام صادق علیه السلام شنیده است<sup>(۱)</sup>.

عبدالله بن ابی یعفور به حضرت امام صادق علیه السلام عرض کرد: راه من دور است

۱. اختیار معرفة الرجال، جلد ۱ صفحه ۳۸۶.

و نمی‌توانم خدمت شما برسم حضرت امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمودند: سؤال هایت را از محمد بن مسلم بپرس، زیرا او نزد پدرم علیه السلام دارای احترام و جاهت بود<sup>(۱)</sup>.

### مظلومیت شیعیان در بنی امیه

شاگردان و پرورش یافتگان مکتب حضرت امام باقر علیه السلام از هر لحاظ افرادی نمونه و برجسته بودند. آنان نه تنها در بُعد علمی که در بُعد اخلاقی نیز دارای ملکات برجسته‌ای بودند. در آن شرایط زمانی سخت و رعب‌انگیز که به اندک بهانه‌ای شیعیان را به قتل می‌رساندند و حقوق اجتماعی آنان را پایمال می‌کردند، به یاری این مکتب آمدند. یکی از قوانین سختی که حکام بنی امیه و بنی عباس برای شیعیان وضع کرده بودند، نپذیرفتن شهادت آنها در دادگاه بود. روایت ذیل از یک طرف بیان‌گر موقعیت سخت آن روزگار و از طرف دیگر نشان دهنده نهایت ادب و احترامی است که شاگردان امام باقر علیه السلام به امام و مکتب خود می‌گذاشتند:

«شهد أبو کریبة الأزدي، ومحمد بن مسلم الثقفي عند شريك بشهادة، وهو قاض، فنظر في وجههما ملياً، ثم قال: جعفریان فاطمیان فبکیا، فقال لهما: ما بیکیکما؟ قالا له: نسبتنا إلى أقوام لا یرضون بأمثالنا أن یكونا من إخوانهم لَمَّا یرون من سَخف ورعنا، ونسبتنا إلى رجل لا یرضی بأمثالنا أن یكونوا من شیعتنا، فإن تفضّل وقلنا، فله المنّ علینا والفضل فینا، فتبسّم شریک، ثم قال: إذا كانت الرجال فلتکن أمثالکم»<sup>(۲)</sup>.

۱. اختیار معرفت الرجال، جلد ۱ صفحه ۳۸۳.

۲. معجم رجال الحدیث، جلد ۱۸ صفحه ۲۶۳.

ابوکریبۀ ازدی و محمد بن مسلم نزد شریک که قاضی بود، شهادتی دادند. شریک به صورت این دو اندکی نگاه کرد و گفت: دو جعفری و دو فاطمی. آن دو گریه کردند، شریک گفت: چرا گریه می‌کنید؟ آن دو گفتند: ما را به گروهی نسبت دادی، که دوست ندارند افرادی همچون ما برادران آنان باشیم چون ورع [بالاتر از تقوی] نداریم و ما را به مردی [حضرت امام صادق علیه السلام] نسبت دادی که دوست ندارد افرادی چون ما از پیروان ایشان علیهم السلام محسوب شویم، اگر ما را بپذیرد، بر ما منت نهاده و تفضل فرموده است. شریک لبخندی زد و گفت: اگر قرار است کسی مرد باشد، شما دو نفر هستید.

در روایتی دیگر نیز نقل شده است که قاضی ابو یوسف به ابن ابی یعفر لقب «رافضی» داد، ابن ابی یعفر که مردی عابد و شب زنده دار بود، در پاسخ قاضی گفت:

«نسبتي إلى قوم أخاف أن لا أكون منهم»<sup>(۱)</sup>.

مرا به گروهی نسبت دادی که بیم دارم از آنان نباشم.

بعد شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، دشمنان برای به دست گرفتن حکومت و خلافت، به هر جنایتی دست زدند تا به این هدف شوم خود برسند. در این راستا فتنه سقیفه اولین و آخرین فتنه نبود. از این رو معاویه صریحاً اعلام کرد که من برای به جا آوردن نماز و حج با شما نمی‌جنگم، بلکه برای به دست آوردن حکومت است که علم جنگ و ستیز را بر افراشته‌ام.

۱. تهذیب الأحکام، جلد ۶ صفحه ۲۷۸.

در آن زمان، شیعیان بدترین و سخت‌ترین دوران را تجربه می‌کردند. آنان از لحاظ امنیتی بسیار تحت فشار بودند و از هر جهت مورد تهاجم و تجاوز قرار می‌گرفتند. ابن ابی الحدید به نقل از حضرت امام باقر علیه السلام، شرایط آن دوره را چنین بیان می‌کند:

«قتلت شیعتنا بكلّ بلدة وقطعت الأيدي والأرجل على الظنّة وكان من يذكر بحبّنا والانتقطاع إلینا سجن أو نهب ماله أو هدمت داره»<sup>(۱)</sup>.

در تمام شهرها شیعیان ما به قتل رسیدند، دست‌ها و پاها بر اساس گمان بریده شد، و هر کس که دوستی و علاقه خود را به ما آشکار می‌کرد زندان می‌شد یا اموال او را غارت می‌کردند و یا خانه‌اش را ویران می‌نمودند.

ذهبی (از علمای اهل سنت) چنین می‌نویسد: از حضرت امام باقر علیه السلام،

پرسیدند:

«كيف أصبحت؟ قال عليه السلام أصبحت برسول الله صلى الله عليه وآله وسلم خائفاً وأصبح كلّ الناس آمنين»<sup>(۲)</sup>.

چگونه صبح کرده‌اید؟ ایشان علیه السلام در پاسخ فرمودند: از اینکه به رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم منتسب هستم ترسان صبح کردم، اما دیگران در امنیت صبح کردند.

پس از بازگشت از شام نیز بی احترامی‌های فراوان - توسط مردم شهرهای

۱. از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۱۱ صفحه ۴۳.

۲. از منابع اهل سنت: میزان الاعتدال، جلد ۴ صفحه ۱۶۰.

بین راه مانند مدین - به حضرت امام باقر علیه السلام صورت گرفت<sup>(۱)</sup>، که نشان دهنده برخورد زشت و ناشایست حکومت آن زمان با فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شیعیان بود.

### مبارزه امام باقر علیه السلام

حکومت‌های جائر و ظالم آن زمان هم چون بنی امیه و بنی عباس، برای بقا و دوام حکومت خود، علاوه بر ایجاد جوّ ارباب و وحشت نیاز به توجیه مذهبی نیز داشتند، زیرا حکومت‌های آنان رنگ و صبغه دینی داشت و آنان تحت عنوان خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حکومت و قدرت را در دست داشتند. از این رو برای توجیه افکار عمومی و انحراف اذهان از واقعیت‌ها، دست به مذهب تراشی زدند و مکاتب انحرافی و فرق ضاله فراوانی را ایجاد کردند.

یکی از این مکاتب منحرف، مکتب مرجئه بود. بنیان این مکتب بر دو رکن مهم استوار بود:

۱. فقط داشتن ایمان کافی می‌باشد و انجام ندادن اعمال دینی، زیان و آسیبی به ایمان نمی‌زند.

۲. هرگونه مخالفت با حاکم وقت حرام می‌باشد<sup>(۲)</sup>.

عقیده مأمون نیز این بود که:

«الإرجاء دین یوافق الملوک»<sup>(۳)</sup>.

مذهب مرجئه دینی است که باخواسته‌های شاهان موافق است.

برای جلوگیری از توطئه این مکاتب و فرق انحرافی، حضرت امام باقر علیه السلام

۱. منتهی الآمال، صفحه ۷۰۵.

۲. الملل و النحل، جلد ۱ صفحه ۱۳۹.

۳. از منابع اهل سنت: البدایة و النهایة، جلد ۱۰ صفحه ۳۰۳.

انفراداً به مبارزه با آنها برخاستند و با گسترش و ترویج معارف اهل بیت علیهم السلام و تربیت شاگردان زبده، ریشه این مکاتب را سوزاندند.

ایشان علیهم السلام در روایتی سلمة بن کهیل و حکم بن عتیبة می‌فرمایند:

«شَرِّقًا وَغَرْبًا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلِ

الْبَيْتِ»<sup>(۱)</sup>.

اگر به شرق و غرب عالم بروید علمی درست و صحیح نمی‌یابید مگر آنچه که از ما اهل بیت علیهم السلام صادر شده باشد.

بنابراین پیروی از مکتب اهل بیت علیهم السلام سعادت دنیوی و اخروی را برای همه در پی دارد و در مقابل، پیروی از مکاتب و فرق انحرافی که سابقه‌ای طولانی دارند و امروزه با رنگ و لعاب جدید عرضه می‌شوند، جز گمراهی و خسران دنیا و آخرت، ارمغان دیگری نخواهد داشت.

### شیعیان حکیمان واقعی

همان طور که در صدر سخن و بر اساس حدیث لوح بیان نمودیم، خداوند سبحان در مورد حضرت امام باقر علیه السلام می‌فرماید: او باقر علم و معدن حکمت من می‌باشد. اکنون مناسب است که اندکی به در این دو واژه، یعنی علم و حکمت بپردازیم.

علم و حکمت دو واژه مترادف نمی‌باشند. قرآن کریم چندین بار از واژه حکمت نام برده است. برای نمونه در سوره نحل آمده است:

۱. کافی، جلد ۱ صفحه ۳۹۹.

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾<sup>(۱)</sup>.

به راه پروردگارت با حکمت و پندهای پسندیده فراخوان.

در سوره بقره نیز آمده است:

﴿يُوتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا  
وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾<sup>(۲)</sup>.

به هر کس که بخواهد حکمت می‌بخشد و به هر کس که حکمت بخشیده باشند، بی شک خیر بسیارش داده‌اند، و جز خردمندان کسی پند نمی‌گیرد.

هم چنین در سوره جمعه، سخن خداوند متعال چنین است:

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ  
وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾<sup>(۳)</sup>.

اوست که در میان قوم بی کتاب پیامبری از میان خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می‌خواند و پاکیزه‌شان می‌دارد و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد و حَقّاً که در گذشته در گمراهی آشکاری بودند.

براساس این آیه از سوره جمعه، ابتدای بعثت رسول الله ﷺ با تلاوت آیات قرآن شروع می‌شود و انتهای بعثت ایشان به حکمت ختم می‌گردد. از مفهوم آیه‌ای که از سوره بقره ذکر شد، این نکته به دست می‌آید که حکمت آن قدر

۱. سوره نحل، آیه ۱۲۵.

۲. سوره بقره، آیه ۲۶۹.

۳. سوره جمعه، آیه ۲.

اهمیت دارد که اگر اندکی از آن به کسی ببخشند، خیر فراوانی به او داده‌اند. حضرت امام صادق علیه السلام در ذیل همین آیه در تفسیر واژه حکمت می‌فرماید:

«طاعة الله ومعرفة الإمام»<sup>(۱)</sup>.

حکمت یعنی، اطاعت خداوند و شناخت امام علیه السلام. آری! اطاعت از خدا و امام‌شناسی یعنی حکمت و هر کس دارای چنین معرفتی باشد، حکیم خواهد بود. اگر کسی دارای معرفت و علم زیادی باشد، اما از خدا اطاعت نکند و امام را نشناسد، نمی‌توان به او حکیم اطلاق نمود، هر چند که بوعلی سینا، ملاصدرا و یا میرداماد باشد.

در رابطه با اهمیت و وجوب شناخت امام علیه السلام، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«من مات وهو لا يعرف امامه، مات میتة الجاهلیة»<sup>(۲)</sup>.

هر کس که بمیرد و امام خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.

حضرت امام باقر علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

«من مات وليس له امام، فمیتة میتة الجاهلیة، ومن مات وهو عارف لإمامه لم یضره تقدّم هذا الأمر أو تأخر ومن مات وهو عارف لإمامه، كان كمن هو مع القائم علیه السلام في فسطاطه»<sup>(۳)</sup>.

هر کس که بمیرد و امام نداشته باشد، مرگ او مرگ جاهلیت است، و هر کس که بمیرد و امام خود را بشناسد، پیش افتادن

۱. کافی، جلد ۱ صفحه ۱۸۵.

۲. بحار الأنوار، جلد ۲۳ صفحه ۷۶، از منابع اهل سنت: صحیح ابن حبان، جلد ۱۰ صفحه ۴۳۴. (با اندکی تفاوت)

۳. کافی، جلد ۱ صفحه ۳۷۱.

و یا تأخیر ظهور امام علیه السلام به او زیان نمی‌رساند و هر کس که  
بمیرد و امام خود را بشناسد همانند کسی است که در خیمه‌گاه  
امام عصر عجل الله فرجه الشریف حضور دارد.  
بنابر این شیعیان، یعنی کسانی که از خداوند اطاعت می‌کنند و امام علیه السلام خود  
را می‌شناسند، حکیمان واقعی هستند.

« والسَّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

## خودآزمایی

- ① حضرت امام باقر علیه السلام در حدیث لوح چگونه توصیف شده‌اند؟
- ② جابر بن عبدالله، هنگامی که حضرت امام باقر علیه السلام را دید چه گفت و چه کرد؟
- ③ قتاده بن دعامه حضور خود را در محضر حضرت امام باقر علیه السلام را چگونه توصیف نمود؟
- ④ عبدالله بن عمر درباره وسعت علمی حضرت امام باقر علیه السلام چه گفت؟
- ⑤ حضرت امام باقر علیه السلام در حق ابان بن تغلب چه فرموده‌اند و حضرت امام صادق علیه السلام پس از شنیدن خبر فوت وی چه فرمودند؟
- ⑥ آیا جامعه عصر حضرت امام باقر علیه السلام به احکام و معارف دینی آشنا بودند؟ با ذکر مثال توضیح دهید.
- ⑦ امام باقر علیه السلام در حق زراره چه دعایی کردند؟
- ⑧ شرایط اجتماعی و زندگی شیعیان را در آن دوره تبیین کنید.
- ⑨ معاویه هدف خود از جنگ با مسلمانان را چه مطلبی اعلام کرد؟ دو شاخصه مهم مکتب منحرف مرجئه را بیان کنید.
- ⑩ حکومت‌های غیر مردمی و ستمگر برای بقاء و دوام حکومت خود از چه روش‌هایی بهره می‌برند؟
- ⑪ حکیم به چه معنا می‌باشد و حکیمان واقعی چه کسانی هستند؟
- ⑫ دو شاخصه مهم مکتب منحرف مرجئه را بیان کنید.

با بررسی شرایط حاکم بر آن زمان و نیز عدم نقل هیچ روایت فقهی از حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهما السلام و هم چنین بیان برخی از معارف در قالب دعا توسط حضرت امام سجاد علیه السلام، به وظیفه سنگینی که بر دوش حضرت امام باقر علیه السلام بوده است، پی خواهیم برد. ایشان علیه السلام از یک طرف مشکلات و غوامض آیات و روایات را توضیح، شرح و بسط داده، و دین خدا و فقه اهل بیت علیهم السلام را احیاء کردند، و از طرف دیگر نیز در جبهه عقاید و دفاع از مبانی اعتقادی شیعه تلاش بی وقفه و خستگی ناپذیر داشتند و در این راستا شاگردان بی شماری پرورش دادند.

(صفحه ۱۲ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت : ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

### محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله یشری رحمته الله علیه

تلفن : ۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - نماپر: ۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک : [info@yasrebi.ir](mailto:info@yasrebi.ir)

[www.yasrebi.ir](http://www.yasrebi.ir)